

شرق

مهر ماه ۱۳۱۰

جمادی الاولیٰ ۱۳۵۰

کویندگان قدیم

شهره آفاق

۶۹۹

پیش از این در شماره‌های گذشته این مجله در باب ابوالدؤید بلخی و ابوالعلاء ششتی گفته شد که در قرن چهارم و در زمان سامانیان شعرا بسیار بوده اند که تذکره نویسان از ضبط احوال و اشعار ایشان کوناه‌ی کرده اند و حتی نامهای ایشان را در کتب ادب نیاورده اند و گاهی در فرهنگها و سفینها به آثار بعضی شعرا بر می‌خوریم که بقراین می‌توان پی برد بدانکه در قرن چهارم زیسته‌اند از آن جمله است شاعری که همه جا نام او را «شهره آفاق» ضبط کرده اند. هنوز معلوم نیست که این عنوان اسم اصلی اوست یا لقبیست که بوی داده اند و یا اینکه شهرت او در عصر وی بوده است. اما میتوان گفت که اسم اصلی او نبوده است زیرا که نامبر چنین اسمی در میان نبوده و چنین تراشیدی از دو کلمه در اسامی اشخاص بکار نرفته و ظاهراً می‌بایست شهره آفاق لقب باشد که در مقام تعظیم و توقیر بکسی داده اند. بهر حال از این شاعر بهیچ

وجه اطلاع نیست و اسم او را جز بهمین هیچ ثبت نکرده اند؛ در عصر زندگی او نیز نصریحی نیست فقط بحدس می توان او را از شعرای قرن چهارم ایران شمرد زیرا قدیم ترین جائی که اشعار او ثبت افتاده در کتاب « لفت فرس » نالیف ابو منصور علی بن ابونصر احمد بن منصور اسدی طوسهست تاریخ نالیف این کتاب معلوم نیست ولی چون ظاهراً آنرا پس از نظر گرشاسب نامه خود که در سال ۴۰۷ تمام کرده پیمان رسانیده است مسلم می شود که این کتاب لفت فرس را در اواسط قرن پنجم نالیف کرده و شمرائی که در آن کتاب از اشعار ایشان آورده بناچار از شعرای اوایل قرن پنجم و اواخر آن چهارم بوده اند و از این قرار شهره آفاق جزو گویندگان دوره سامانیان نزدیک بدوره غزنویان باید در شمار آید .

از اشعار شهره آفاق جز یک نغزل و چند بیت پراکنده که در فرهنگها بشاهد لغات ضبط کرده اند چیزی دیگر بدست نیست . نغزل او غزلتست شامل سبزه بیت که در سفینه کهنی که ظاهراً در قرن هفتم گرد آمده و شاعری که پس از قرن هفتم باشد در آن نیست ثبت آمده و از سبک این اشعار و تلفیقات و الفاظ آن نیز پدیدار است که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم سروده شده و آن قطعه نغزل اینست که با همان املاى اصلی آن سفینه نوشته می شود :

شهره آفاق گویند

الایسا نوبهاری باذ نوشین ازین بیدل بدان دلبر خیر بر
 یگو او را که اندر باغ هجرت جو قوم هود اندر باذ صر
 نوبر کف ساغرومن بی نوبارا (۱) بتن لاغر رسیده جان بفرشر (۲)

(۱) در اصل نسخه « بورا » و این اصلاح بمطابقت

(۲) غرغر بفتح هرو عین درافت عرب سر حلقوم از جانب دمان باشد

ایا مېر بتان هندوی کشمېر
 اياشمعی که شمع آل شمعون
 اگر نقاش بربر بېنذت روی
 نه باروی نو دارد مشتری آدر
 پر اهو باذ جشمت چشم آهو
 نرادو شکر لمست خوش بوی
 شکار شکر گشت آشکارا
 نهفته زیر برک لاله لولو
 مکن با آنک قدر نو بداند
 نه هر مرغی بداند خورد انجېر

ایا شاه سران چین و بر بر
 ترا زید بېش اندر سپر بر
 شوذ دستش همبدون خشک بر بر
 نه با قد نو دارد غاقر فر
 نه جون بالای نو بالای عر عر
 یسان باره برک لاله بربر
 دل بر حسرت مرد شکر گر
 جو زیر برنجان اندرت مرمر
 چرا اندر نباری ای بر سر
 نه هر کس باز دانداز گذر زرد (۱)

اما ابیات پراکنده او که در فرهنگها ثبت آمده نخست این چهار بیتست که در مجمع الفرس سروری کاشانی در جست :

۷۰۱

(۱) این بیت بشاهد لغت « یازان » بمعنی آهنگ کنان و قصد کنان از همه خوبان سوی نواز آن یازانم که همه خوبی سوی نو همی یازانست
 (۲) این بیت بشاهد لغت « پرواسپده » بمعنی لمس کرده و دست کشیده: هر که پرواسپده آن اندام را نگاه علم در کف خود دیده سپم خامرا
 (۳) این بیت بشاهد کلمه « سکنجی » یعنی بتراشی و سرفه کنی و آواز بگلو کنی :

بگاہ نمہ سنجی چون سکنجی کند ناهید نرک نمہ سنجی
 (۴) این بیت بشاهد لغت « فز » بفتح اول و سکون ثانی بمعنی بال است: بر اوسپمگون چون طلعت یار فزاو مشکبو چون زلف دلدار
 ازین ابیات بیت اول در فرهنگ اسدی چاپ پاول هرن باسم او ثبت آمده ولی اختلاف نسخه‌ای هست بدین منوال :

(۱) بفتح کاف فارسی زردک باشد هم چنان که هنوز در بسیاری از ایالات ایران این لفظ متداولست .

ز همه خوبان سوی نو بدان یازم که همه خوبی شد سوی رخت یازان
 و در نسخه خطی از فرهنگ اسدی که در سال ۸۷۷ نسخه برداشته
 اند (۱) باز نسخه دیگری هست بدین نهج .
 ز همه خوبان سوی نو بدان یازم من که همه خوبی سوی رخ نو یازان شد
 و در همان نسخه خطی بیت دیگری از اشعار شهره آفاق هست که
 شاهد لغت گذرنامه بمعنی جواز آمده و آن اینست :

همه دیانت و دین جوی و فیک رائی کن که سوی خلد پیرین باشدت گذرنامه
 از این ابیات پراکنده معلوم می شود که شهره آفاق شاعری قادر بوده
 و از بیت دوم که در فرهنگ سروری ثبت آمده می توان حدس زد
 که شاید وی را منظومه ای ببحر رمل بوده است زیرا که این بیت
 از مثنوی بحر رملست و نیز از ابیات ۳ و ۴ که در فرهنگ سروری ثبت
 شده شاید بتوان گفت که وی را منظومه ای دیگر ببحر هزج بوده است
 زیرا که این هر دو بیت از مثنوی بحر هزجست و اگر این حدس درست آید
 وی شاعری بسیار سخن بوده و گذشته از مقطعات و غزلیات و قصائد
 مثنویات هم سروده است ولی دریغ که از اشعار او چیزی نمانده
 است چیزی بمانده و در شعر فارسی ازین ضایعات بسیار است
 و بسیار شعرای قرن چهارم و اوایل آرن پنجم در فرهنگها اسم برده
 و از اشعار ایشان شاهد آورده اند که فقط نامی و چند بیت پراکنده ای
 از ایشان مانده و معلوم نیست آیا روزی خواهد آمد که از زوایای
 کتب که درین زمان در میان ما منتشر نیست اطلاعاتی دیگر بر آنچه
 درین زمان ما می دانیم افزوده گردد ؟

طهران - آذر ماه ۱۳۱۰

سهمید نقیسی

(۱) در باب این نسخه رجوع شود بکتاب و احوال « اشعار ابو عبد الله

جعفر بن محمد رودکی سمرقندی » نالیف محرر این مطور چاپ طهران -